

نشانه گذاری

نشانه گذاری در تنظیم خبر؛ رعایت قواعد سجاوندی و به کار بردن علامتها و نشانه‌هایی است که خواندن و در نتیجه فهم درست مطالب را آسان می‌کند و به رفع پاره‌ای ابهام‌ها، که از عدم انعکاس دقیق و روشن عناصر و دلالت گفتاری در نوشته پدید می‌آید، کمک می‌کند.

نشانه‌های که در زبان فارسی معمول هستند، عبارتند از :

ویرگول (،)، نقطه ویرگول(؛)، نقطه (.)، دو نقطه (:)، گیومه («»)، نشانه سؤال(؟)، نشانه تعجب(!)، خط فاصله (—)، سه نقطه (...)، ستاره(*)، پرانتز()، قلاب []، ممیز (/) و جهت نما (←)؛

1. ویرگول (،)

الف. ویرگول، نشانه مکث یا وقفی کوتاه است و در موارد زیر به کار می‌رود.
بین عبارت‌ها و جمله‌های غیر مستقلی که با هم یک جمله کامل باشند.

مثال:

آن را که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است.
ماهنامه دانشجویی فراز در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و خبری
منتشر می‌شود.

ب. در موردی که کلمه یا عبارتی به عنوان توضیح، به صورت عطف بیان یا بدل
و قید در ادامه عبارت دیگر آورده شود.

مثال:

فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ بزرگترین سخنوران ایران هستند.
ج. در میان دو کلمه که احتمال داده شود خواننده آنها را با کسره اضافه
بخواند.

مثال:

هر که به طاعت از دیگران کم است و به نعمت بیش، به صورت توانگر است.
د. به منظور جدا کردن بخش‌های مختلف یک نشانی یا مرجع و مأخذ یک
نوشته؛

مثال:

تهران، خیابان شریعتی، کد پستی 19135، کوچه ناهید، شماره 78.

ه. در آغاز و پایان جمله دعایی و جمله معترضه؛ مثال:

این است حسنگ و روزگارش و گفتارش، رحمت ا... علیه، این بود که
گفتی:...

2. نقطه ویرگول (؛)

نقطه ویرگول، نشانه وقف یا درنگ و مکثی است طولانی‌تر از ویرگول و کمتر از نقطه و بیشتر در موارد زیر به کار می‌رود:

الف. برای جدا کردن جمله‌ها و عبارتهای متعدد یک کلام طولانی که به‌ظاهر مستقل، اما در معنی به یکدیگر وابسته و مربوط باشند.

مثال:

فریب دشمن مخور و غرور مداح مخر؛ که این، دام رزق نهاده است و آن، دامن طمع گشاده.

ب. در جمله‌های توضیحی، پیش از کلمات و عباراتی چون «اما»، «زیرا»، «چراکه»، «یعنی»، «به عبارت دیگر»، «برای مثال» و مانند آنها؛ به شرط آن که جمله‌های پیش از آنها کامل و به‌طور غالب طولانی باشد.

مثال:

مال و جاه هیچ‌گاه نمی‌توانند آرامش بخش روان باشند؛ چرا که تنها با یاد خدا دلها آرامش می‌یابند.

3. نقطه (.)

در موارد زیر کاربرد دارد:

الف. در پایان جمله‌های کامل خبری و برخی از جمله‌های انشایی.

مثال:

دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است.

کسی که ملالت و دل‌تنگی بر او چیره شود، راحتی از نزد او کوچ می‌کند.

ب. بعد از هر حرفی که به عنوان نشانه یا علامت اختصاری به کار رفته باشد.

مثال:

ارسطو متوفی به سال 322 ق. م. (قبل از میلاد مسیح)

م. م. (محمد معین)

ج (بعد از شماره ردیف حروف ابجد.

مثال:

الف.

ب.

ج.

د.

ه.

4. دو نقطه (:)

در موارد زیر کاربرد دارد:

الف (پیش از نقل قول مستقیم؛

مثال:

رسول اکرم (ص) می فرماید: «مسلمان کسی است که مسلمانان از

دست و زبان وی در امان باشند.»

ب) پیش از بیان تفصیل مطلبی که به اجمال بدان اشاره شده است.

مثال:

آن سال برای من سال خوبی بود: در آزمون سراسری دانشگاه‌ها پذیرفته

شده بودم.

ج (بعد از واژه یا لغتی که معنی آن در برابرش آورده و نوشته می‌شود؛

مثال:

صیف : تابستان

د (پس از کلمات تفسیر کننده از قبیل:

«یعنی»، «چنانکه»، «برای مثال»، «عبارتند از» و نظایر آنها؛

مثال:

بعضی از عوامل موفقیت عبارتند از:

1. توکل به خدا؛
2. اعتماد به نفس؛
3. تلاش و کوشش؛
4. اندیشه و تدبیر در امور؛

تذکر: پس از کلماتی مانند: «مثل»، «از قبیل»، «نظیر» و امثال آنها که به کلمه بعدی اضافه می‌شوند، باید دو نقطه به کار برد.

تذکر: در مواردی، بعد از حروف «ابجد» که برای ترکیب و شماره ردیف به کار می‌روند، از دو نقطه نیز استفاده می‌کنند.

مثال:

امام علی(ع) می‌فرماید: قوام دین به چهار چیز است.

الف: عالم زبان‌داری که به علم خود عمل کند.

ب: ثروتمندی که مازاد ثروت را به هم کیشان خود پخش کند.

ج: فقیری که آخرت به دنیا نفروشد.

د: جاهلی که از تحصیل علم تکبر نورزد.

5. گیومه «»

این نشانه، در اکثر موارد برای نشان دادن آغاز و پایان سخن کسی غیر از نویسنده است که در اثنای نوشته وی آمده، یا برای مشخص کردن و برجسته نشان دادن کلمه یا اصطلاحی خاص به کار می‌رود و موارد مهم استفاده از آن به شرح زیر است:

الف) وقتی که عین گفته یا نوشته کسی را در ضمن نوشته و مطلب خود می‌آوریم.

سعدی می‌گوید: «هر که سخن نسنجد، از جوابش برنجد.»

ب) در آغاز و پایان کلمات و اصطلاحات علمی و یا هر کلمه و عبارتی که می‌خواهیم آن را مشخص و ممتاز از قسمت‌های دیگر نشان دهیم.

مثال 1:

– کسی در مورد توانایی نوعی باکتری «پرواندیوموناس ویسیکالریس» در تجزیه «فنل» یا مشتقات آن گزارشی ارایه نکرده است. این باکتری از خانواده «سودوموناس» است که بیشترین توانایی را در تجزیه آلاینده‌های آلی، از جمله فنل دارند.

مثال 2:

– در زندگی انسان‌ها آرایش و خود آرایی از قدیم متداول بوده است و در سنت ایرانیان نیز سابقه‌ای دیرینه دارد. در فرهنگ‌های لغت فارسی قدیم، از آرایش و خود آرایی، به عنوان «هر هفت» یاد شده است. «هر هفت» در گذشته به لوازم آرایش زنانه گفته می‌شد که شامل سرخاب، سفیدآب، حنا، وسمه، سرمه، غالیه و خال بود که هر هفت کردن معنی آرایش کردن را داشت و در ادبیات فارسی امروزه مترادف این کلمه اصطلاح «هفت قلم آرایش کردن» به کار برده می‌شود.

ج) در ذکر عنوان مقاله‌ها، رساله‌ها، اشعار، روزنامه‌ها، آثار هنری و فصل‌ها و بخش‌های مختلف یک کتاب یا نوشته.

مثال:

باب هشتم گلستان سعدی «آداب صحبت» است.

تذکره: هرگاه نقل قولی در ضمن نقل قولی دیگر بیاید، آن را در میان علامت نقل قول مفرد «» قرار می‌دهند.

مثال:

او به من گفت: «آیا شنیده‌ای که پیامبر اسلام(ص) فرموده است: 'المسلم من مسلم المسلمون من یده و لسانه.'»

6. نشانه سؤال (?)

الف) در آخر جملات و عبارات پرسشی مستقیم به کار می‌رود.

مثال:

به چه می‌اندیشی؟

ب) بعد از کلمه یا عبارتی که جانشین جمله پرسشی مستقیم است.

مثال:

کدام را می‌پسندی؟ سبز یا آبی؟ نظر شما چیست؟ بروم یا نروم؟

نکته: در پایان جمله‌های پرسشی غیر مستقیم، از علامت‌سؤالی استفاده نمی‌شود، بلکه نقطه می‌گذارند.

مثال:

همه می‌دانستند که در نامه چه کسی مورد خطاب است و مضمون نامه

چیست.

استاد از دانشجو پرسیده بود که آیا آن کتاب را خوانده است.

7. نشانه تعجب (!)

علامت تعجب علاوه بر نشانه تعجب و شگفتی، برای بیان یکی از حالات خاص و عاطفی از قبیل «تعجب»، «تأکید»، «تحسین»، «تحقیر»، «تنفیر»، «ترحم»، «استهزا»، «شک و تردید»، «امر و نهی»، «حسرت و آرزو»، «درد»، «دعا»، «تنبیه»، «تأسف» و ... نیز به کار می‌رود.

مثال:

کاش من هم همراه شما به زیارت خانه خدا نایل می‌شدم!

8. خط فاصله (-)

موارد مهم استفاده از این نشانه به قرار زیر است:

الف) برای جدا کردن عبارت‌های توضیحی، بدل، عطف بیان و جمله معترضه از کلام اصلی. مثال:

فردوسی - حماسه سرای بزرگ ایران - در سال 329 هـ. ق. به دنیا آمد.

ب) در مکالمه میان اشخاص نمایشنامه و داستان یا مکالمات تلفنی در ابتدای جمله و در سر سطر به جای نام گوینده.

مثال:

- الو!

- بله بفرمایید!

- سلام.

ج) به جای حرف اضافه «تا» و «به» بین تاریخ‌ها، اعداد و کلمات.

مثال:

مهر - آذر 1345 (مهر تا آذر 1345).

دهه 1320 - 1330 دهه‌ی طلایی آزادی مطبوعاتی در تاریخ ایران بود.

آزاد راه تهران - شمال، به محیط زیست آسیب می‌رساند (تهران به شمال)

د) برای نشان دادن تردید یا ادای کلمات همراه با لکنت و گره خوردگی زبان.

مثال:

م - م - من برای ه - ه - هر نوع همکاری آ - آ - آماده‌ام.

ه) برای جدا کردن هجاهای یک کلمه و تقطیع حروف کلمه از یکدیگر؛

مثال:

کلمه «گرفته» دارای سه هجا است: گ - رف - ته.

کلمه «احمد» دارای چهار حرف است. ا - ح - م - د.

(و) در آخر سطر وقتی که بخشی از کلمه به اول سطر بعد برده شود.

مثال:

رویدادهای مهم دهه‌های اخیر در جهان از نظر نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی و فرهنگی نشان می‌دهد که جوامع بشری پیوسته دستخوش حوادث خصمانه یا تمایلات مخرب انسان‌ها و دولت‌های سلطه‌طلب بوده است.

(ز) برای پیوستن اجزای برخی از عبارتهای ترکیبی به کار می‌رود.

مثال:

بازتاب‌های اجتماعی - سیاسی.

(ج) بعد از شماره ردیف در اعداد یا حروف و بعد از کلمه‌های نظیر «تبصره»، «تذکر»، «توضیح»، «یادآوری» و جز آنها، نیز به کار می‌رود.

مثال:

کلمه عربی به سه قسم است: 1- اسم، 2- فعل، 3- حرف.

9. سه نقطه (...)

این علامت برای نشان دادن کلمه یا کلمات و عبارات یا جمله‌های محذوف و یا افتادگی‌ها به کار می‌رود؛ خواه در اول مطلب باشد، یا وسط یا آخر.

مثال:

کشورهای آسیایی عبارتند از: ایران، آذربایجان، ترکیه، پاکستان، چین، ژاپن و ...

این نشانه گاهی به جای اسم خداوند «الله» به کار می‌رود، که در ترکیبات اسمی نیز وجود دارد. به دلیل احترام به اسم خداوند و جلوگیری از لمس آن بدون طهارت از سه نقطه استفاده می‌شود.

مثال: نام معلم ما قدرت‌ا... است.

10. ستاره (*)

از این نشانه به طور معمول در موارد زیر استفاده می‌شود:
الف) برای ارجاع دادن به زیر نویس، وقتی که از «اعداد» در داخل متن به منظورهای دیگر استفاده شده باشد.

ب) به منظور ایجاد فاصله میان دو مصراع شعر .

مثال:

مرد باید که سخندان بود و نکته شناس* تا چو می گوید از آن گفته
پشیمان نشود.

ج) در اول سطر، پیش از کلمه‌ها و عبارت‌هایی نظیر «تذکر»، «توضیح»، «تنبیه»، «نکته»، «یادآوری» و مانند آنها، به منظور جلب دقت و توجه خواننده به آن نکته در خور تذکر و یادآوری.

11. پرانتز یا دو هلال ()

«پرانتز» که گاه «هلالین» و «کمانک» نیز نامیده شده است، اغلب در موارد زیر به کار می‌رود:

الف) به معنی «یا» و «یعنی» و وقتی به کار می‌رود که کلمه یا عبارت یا جمله‌ای را برای تعیین و توضیح بیشتر کلام بیاورند؛

مثال:

مجمع النوادر (چهار مقاله) از نظامی عروضی سمرقندی است.

دانشگاه پلی تکنیک (امیر کبیر) از دانشگاه‌های با سابقه ایران است.

ب) وقتی که نویسنده بخواهد آگاهی‌های بیشتر (اطلاعات تکمیلی) به خواننده عرضه کند.

مثال:

ابوالفضل بیهقی (385-470 هـ. ق) استاد کم نظیر، بلکه بی نظیر نثر مرسل

در تاریخ پارسی است.

ج) برای ذکر مأخذ در پایان مثال‌ها و شواهد؛ به عبارت دیگر اسامی کتاب‌ها، نشریه‌ها، اشخاص و رساله‌ها و ...

مثال:

پیغمبر- صلی‌الله‌علیه و آله و سلم - فرمود: « چون آخرالزمان بود، مؤمن را خواب کمتر گردد.» (خواب‌گزاری، ص 3)

12. قلاب []

این نشانه بیشتر در موارد زیر به کار می‌رود:

الف) وقتی که مطلبی جزء اصل کلام نباشد؛ در میان [] نوشته می‌شود.

مثال:

آقای رییس! بایک امضاء شما، همه مشکلات حل می‌شود [تبسم معنی دار حضار]

ب) در نمایشنامه، دستورهای اجرایی در داخل [] نوشته می‌شود.

مثال:

احمد [با چهره ای عبوس و گرفته]: دلم نمی خواهد حتی یک قدم در این راه بردارم. [با بی‌اعتنایی سرش را برمی‌گرداند].

ج) در تصحیح متون کهن، الحاق احتمالی که از نسخه بدل‌ها یا از سوی مصحح اضافه می‌شود، در میان قلاب جای می‌گیرد.

مثال:

و این [راه مسلمانی] راه خدای توست ، راست [تا به بهشت]
نیکی و بدی را پاداش [مکافات] دهد. (أنس التائبین ، ص 260)

13. ممیز (/)

موارد استفاده از آن عبارتند از:

الف) برای جدا کردن سال‌های هجری شمسی و قمری و میلادی.

مثال:

محمد بن جریر طبری، در 224 هـ.ق. / 839 م. در آمل زاده شد و به سال 310 هـ.ق. / 923 م. درگذشت.

(ب) برای نشان دادن شماره سوره‌ها و آیه‌های قرآن کریم؛ از سمت راست ابتدا شماره سوره، سپس شماره آیه می‌آید؛ گاه به جای ممیز از دو نقطه نیز استفاده می‌شود.

مثال:

کل امری بما کسب رهین (قرآن، 21/52)

منظور سوره 21 و آیه 52 است.

14. جهت نما (←)

موارد مهم استفاده این علامت که فلش نیز نامیده می‌شود به قرار زیر است:

الف) برای دادن ترتیب و استحصال تدریجی و یا نتیجه دادن امری؛

مثال:

آذین ← آذینه ← آدینه

(ب) به معنی و معادل ر.ک، نگاه، رجوع شود، نگاه کنید، بنگرید و مانند آنها.